

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباوویچ

ربی مناخیم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

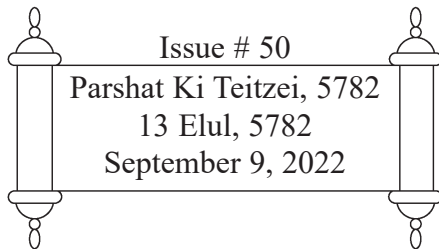
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, September 9, Light Shabbat Candles, by 6:50 p.m.
Saturday, September 10, Shabbat ends at 7:52 p.m.
(Times are for Los Angeles)

است که بیسرائل ها همچون همسر رسمی و قانونی خداوند هستند و غیر قابل تعویض و تغییر می باشند.

۸- معنای گالوت

اینک ما اهمیت این مطلب را درک می کنیم که اگر چه سفر تورا ممکن است بر روی طومارهای یکدست ولی متعددی نوشته بشود که به هم دوخته شده اند. طلاق نامه می بایست بر روی یک تیکه یکدست نوشته شده باشد.

برای آنکه، گالوت و در بدری، این طلاق و دوری ظاهری، آنچنان وحدتی را مابین خداوند و بیسرائل ها نشان میدهد که عمیق تر و موثر تر از وحدتی است که در زمان اهداء تورا مابین خداوند و آنها بوجود آمد.

در سینای عشق خداوند نسبت به بیسرائل ها ظاهر گردید. ولی این عشق دستخوش دگرگونی های زمان نیز شد. اما در گالوت آنچه هست آن عشق عمیق و ذاتی است که اگر چه بعضی اوقات پنهان شده است ولی همیشه وجود دارد و همیشه زنده است.

به همین علت است که پاراشای «کی تصه» و قسمت مربوط به طلاق همیشه در هفت هفته تسلی بعد از نهم آو خوانده میشود و علت خواندن آن در این زمان آن است که نشان بدهد که این تصور که خداوند بیسرائل ها را فراموش کرده است واقعی نیست و حقیقت ندارد. بلکه برعکس این گالوت و در بدری عشقی را ایجاد می کند که دائمی و ابدیست. و همانگونه که در تلمود موضوع طلاق بوسیله موضوع ازدواج دنبال میشود به همین ترتیب این گالوت روحانی ما بوسیله آشکار شدن عشق ذاتی خداوند به بیسرائل ها دنبال خواهد شد.

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 9, pp. 143-151)

(منبع لیکوتی سیخوت جلد نهم ص ۱۴۳ الی ۱۵۱)

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY
Chabad Persian Youth
9022 W Pico Boulevard.
Los Angeles, CA 90035
Tel.: (310) 777-0358
Fax: (310) 777-0357
http://www.cpycenter.org
e-mail: cpycenter@sbeglobal.net
Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&
Moshiach Awareness Center,
a Project of:
Enlightenment For The Blind, Inc.
602 North Orange Drive.
Los Angeles, CA 90036
Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
http://www.torah4blind.org
e-mail: yys@torah4blind.org
Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

کی تصه

در میان قوانینی که در این پاراشا عنوان می شود بخشی از آن به قوانین طلاق مربوط میشود. این مبحث مفهوم طلاق را هم در رابطه مابین زن و شوهر و هم در رابطه مابین انسان و خداوند مورد بررسی قرار میدهد. گفتارهای حخامیم را در مسحت گیتین در تلمود تجزیه و تحلیل کرده و کلمه طلاق را در قانون یهود مورد بررسی قرار میدهد. مکتب حاسیدوت با تاکیدش بر یافتن ذات رابطه انسان و خداوند و ادعای این مطلب که ذات هستی بر اساس وحدت الهی قرار دارد باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا جدایی و طلاق پدیده ای است واقعی و نهایی و یا ظاهری و سطحی؟

۱- طومار طلاق

در این پاراشا در مورد موضوع طلاق صحبت شده است^۱ و اسنادی که این جدایی را رسمی می کند طومار طلاق (سِفِر کریتوت) خوانده است. این نام دو مطلب متضاد را در بر گرفته است. طلاق، که ایده و عقیده جدایی را میرساند و در واقع کلمه "کریتوت" بصورت قانونی این مفهوم را میرساند^۲ که این اسناد دارای شرایط نهایی هستند و هیچگونه وابستگی را مابین زن و شوهر سابقش باقی نمی گذارند. و کلمه طومار یا سِفِر که بصورت ضمنی این مطلب را به ما میرساند که آن می بایست بنحوی با طومار تورا "سِفِر تورا"، مشابهت داشته باشد به عنوان مثال می بایست بصورت خطوط حساب شده نوشته شده. در ازای آن از پهنای آن بیشتر باشد و^۳ همچون سِفِر تورا سمبل وحدت به حساب آید. بر طبق کلام رمبام "تمامی تورا برای آن داده شد که در جهان صلح و آرامش را ایجاد کند".^۴ طومار (سِفِر کریتوت) طلاق، علاوه بر اینها می بایست بر روی یک صفحه یکدست نوشته بشود که خود اشاره ای بر یکی بودن و اتحاد است.^۵

به همین ترتیب این مطلب در این رسم که این طومار طلاق (سِفِر کریتوت) می بایست بصورت دوازده سطر نوشته بشود، با این مطلب که اولین چهار طومار تورا (سِفِر تورا) بوسیله دوازده سطر

در سینیای، در زمان ازدواج مقدس خداوند با یسرائیل، خداوند عشق و علاقه ای را نسبت به یسرائیل آشکار کرد که این عمل نیز به نوبه خود عشق یسرائیل ها را نسبت به خداوند برانگیخت^۶ و خودش را در کلام معروف "او امرت را انجام میدهم و می شنویم" نشان داد. حتی اگر چه این عشق بوسیله خداوند آغاز شد و او بود که آنرا ایجاد کرد این عشق تا آنجا در روح یسرائیل ها نفوذ کرد که حقیقتی از وجود و ذات یسرائیل ها شد. در این مورد رمبام (در هیلخوت گروشین)^۷ می گوید "هر فرد یهودی مایل است که همه فرمان های خداوند را انجام دهد و خودش را از گناه بدور نگاه دارد" و او تنها زمانی گناه می کند که این تمایل اساسی بوسیله یک خواسته ظاهری دیگری پوشیده شود. عشق فرد یهودی نسبت به خداوند دائمی و همیشگی است این عشق ممکن است که موقتا پنهان بشود ولی هنوز در مخفیگاه خود شعله ور و سوزان است همین موضوع در مورد عشق خداوند نسبت به یسرائیل هم صادق است. سایه سیاه در بدری و گالوت ممکن است این عشق را بپوشاند ولی آنرا هرگز خاموش نمی کند.

به این ترتیب گالوت یک طلاق نیست، بلکه مخفی گاه پنهانی عشق است. به همین علت است که زمانی که در بدری و گالوت پایان می یابد این عشق دوباره خودش را آشکار می کند. در این زمان خداوند و یسرائیل ها دیگر نیازی به سینیای جدیدی ندارند یعنی نیازی به دوباره ازدواج کردن نیست. بخاطر آنکه ازدواج اول هرگز پایان نیافته است.

۲- عشق درونی و عشق ظاهری

موضوع عمیق تر دیگری هم وجود دارد. نه تنها دوری یسرائیل از خداوند و در بدری آنها یک پدیده ظاهریست و واقعیتی ندارد بلکه این گالوت و دوری عشق عمیق ما بین آنها را آشکار می کند. قبل از جدایی، ممکن بود اینگونه تصور کنیم که عشق خداوند نسبت به یسرائیل منوط به شروط خاصی است و بستگی به انجام خواسته خداوند از طرف آنها دارد. اما در گالوت و در در بدری این مطلب که (قربانگاه خداوند نیز اشک میریزد) نشان دهنده غم و غصه خداوند است و بیان کننده عشقی است بدون شرط، عشقی که متعلق به ذات و منشأ وجود هم خداوند و هم یسرائیل ها میباشد.

به این ترتیب بخش «گیتین» به این علت پایان می یابد که نشان بدهد که^۸ او همدم تو وزن رسمی تو است^۹ و در تحلیل نهایی طلاق ظاهری یسرائیل بوسیله خداوند تنها آشکار کننده این حقیقت

۱- دواریم ۲۴-۱ ۲- گیتین ۸۴ ب ۳- طور، شولخان آרוخ "اون هالذر" فصل ۱۲۵

۴- پایان هیلخوت حنوکا ۵- گیتین ۲۰ ب

۲۱- تورا اور ۹۸ د ۲۲- پایان فصل دوم

از هم جدا می شوند مشابهت دارد ۶. و دوباره در اینجا نیز همان مفهوم جدایی و طلاق، با تورا کلام خدای یگانه و فراهم کننده وحدت و یگانگی در مقایسه قرار می گیرد.

۲- ازدواج و طلاق

این تضاد موجود در طلاق در رابطه بسیار نزدیکی که مابین ازدواج و طلاق در قانون یهود وجود دارد نیز دیده میشود.

ازدواج البته ایده وحدت و بایکدیگر بودن را به ما میرساند. "بنابراین مرد می بایست به زن خود ملحق و به یک بدن تبدیل بشوند".^۷ و با این حال قوانین ازدواج در قانون یهود و سه طریقی که ازدواج بوسیله آنها صورت می گیرد از همین پاراشایی که در مورد طلاق صحبت می کند گرفته شده است.^۸ و از طرف دیگر بخشی از تلمود که مربوط به طلاق است «گیتین» با سرزنش کردن عمل طلاق پایان می یابد مکتب "شمای" می گوید که "مرد نمی

بایست زنش را طلاق بدهد مگر آنکه آن زن متهم به بی وفایی نسبت به شوهرش باشد".^۹ حتی مکتب هیلل که در این مورد برای مرد آزادی بیشتری قائل می شود زمانی طلاق را تأیید می کند که ازدواج دومی همراه آن باشد و تلمود اینگونه نتیجه می گیرد که هنگامیکه مردی زنش را طلاق میدهد "حتی قربانگاه خداوند نیز برای او گریه می کند".^{۱۰}

یک چنین مخالفتی با طلاق در بخش آغازین فصل "گیتین" در تلمود نیز دیده میشود این بخش اینگونه شروع می شود که "کسی که طلاقنامه زنی را (که شوهرش) از سرزمین خارج (دور دست) برای آن زن فرستاده است می آورد می بایست اینگونه بگوید که «این طلاق نامه در حضور من نوشته شده است و در حضور من مهر شده است»".^{۱۱}

و این یک شروع غیر معمول تکان دهنده و یک مورد اختصاصی است. اینگونه انتظار میرود که شروع یک فصل مربوط به طلاق با جملاتی نظیر، "زمانی که طلاق اتفاق می افتد" و یا، "چه زمانی باید طلاق داده شود"، و یا "چگونه باید طلاق داده شود" و نظیر آنها شروع شود و بجای آن ما به عنوان سر آغاز یک قانون با یک مورد اختصاصی روبرو میشویم و نه با یک مورد کلی. از آن بیشتر این که فصل "گیتین" با یک مطلب جنبی شروع میشود و نه با موضوع کلی طلاق، با چگونگی فرستادن طلاق نامه بوسیله یک فرستاده که یک مورد غیر معمولی است که در آن

۶-توسفوت آغاز گیتین ۷-برشیت ۲۴-۲

۸-قیدوشین ۲ الف، ۴ ب، ۵ الف

۹-میشنا گیتین ۱۰-۱۱

۱۰-گیتین ۹۰ ب

۹-میشنا گیتین ۱۰-۹

میان وجود دارد نمی تواند عبور کند) او در سرزمین بیگانه زندگی می کند به این علت که زمانی که انسان خودش را از خداوند دور می کند، خداوند نیز خودش را از او دور می کند.

۵- فرستاده

در این وقت اینگونه ممکن است بنظر آید که زمانی که خداوند چهره اش را پنهان کرده و به سرزمین بیگانه سفر کرده است، سرزمینی که خارج از دسترس ماست، او دیگر قوم خودش را کنار گذارده و خدای ناکرده آنها را طلاق داده است.

اما در مخالفت با این طرز فکر، در میشنا آمده است که "فرستاده ای که طلاق نامه را از سرزمین بیگانه می آورد باید اذعان کند که این طلاق نامه در حضور من نوشته شده و در حضور من مهر شده است". به عبارت دیگر شخص فرستاده می بایست شهادت بدهد که او خودش شوهر آن زن نمی باشد بلکه فقط فرستاده آن شوهر و پیام آور اوست.

در زمینه روحانی و تاریخی این مطلب به این معناست که قدرت های خارجی که بیسرائل ها را شکست داده اند و او را به در بدری و گالوت برده اند نهایتاً خودشان نیز میدانند که آنها تنها فرستادگان خداوند هستند و هیچگونه قدرت و حاکمیتی بر قوم یهود ندارند و بیسرائل همیشه و هنوز بصورت قوم خداوند باقی خواهد ماند. در نتیجه اسناد طلاق هرگز از مالکیت شوهر خارج نشده چرا که چیزی نمی تواند از مالکیت خداوند خارج بشود و آن طلاق یک طلاق واقعی نمی باشد.

۶- ازدواج مقدس

در مورد نوع ارتباط خداوند با بیسرائل ما تا اینجا دو حقیقت را کشف کرده ایم اول آنکه بصورت ظاهر خداوند بیسرائل ها را طلاق داده است دوم آنکه در باطن و درون پیوند خداوند و بیسرائل ها هرگز گسسته نشده و قابل پاره شدن نمی باشد. برای درک بهتر این مطلب ما می بایست ذات و طبیعت ازدواج مابین خداوند و بیسرائل ها را توضیح بدهیم.

در ازدواج بر طبق قانون یهود، اگر چه این شوهر است که زنش را برای خودش مقدس می کند و نه^{۱۹} برعکس ولی این امرتها با آگاهی و رضایت زن می تواند انجام بشود.^{۲۰}

۱۹-قیدوشین ۵ ب

طلاق نامه از سرزمین خارج (از سرزمین دوردست) برای زن آورده میشود. توضیح آن این است که زمانی که ربی یهودا هناسی کتاب میشنا را تالیف میکرد او این مقدمه بخصوص را برای آغاز فصل مربوط به طلاق انتخاب کرد که به این وسیله ذات و طبیعت واقعی طلاق را برای ما روشن کند. "کسی که طلاق نامه زنی را از سرزمین خارج می آورد... او به این طریق، در واقع این مطلب را به ما میرساند که منشأ طلاق در "سرزمین بیگانه و خارجی" است یعنی در محیط و سرزمینی بیگانه و دور از روحانیت. بدون چنین سرزمینی یعنی حالت بیگانگی مابین مرد و زن، هرگز جدایی مابین آنها بوجود نمی آید. با این کلمات آغازین، ربی یهودا هناسی به ما اشاره می کند که طلاق یک حالت غیر طبیعی است و بعد از اینکه تمامی جزئیات آن را به ما می گوید با کلمات پایانی اش به ما یادآوری می کند که هنوز هم "مرد نمی بایست زنش را طلاق بدهد"...

جواب سئوالات بالا در کلمات آغازین فصل طلاق، "گیتین" قرار دارد که منشأ طلاق در سرزمینی است که روح و روحانیت در آن بیگانه هستند. و از آنجا که خداوند در این مکان بیگانه، سرزمینی که خارج از درک و فهم ماست، نیز ساکن است، بعضی اوقات اینگونه بنظر ما می آید که او بسیار از ما دور و بیگانه است. و در این زمان است که امکان طلاق در ذهن ما ریشه می گیرد. طلاق مابین انسان و خداوند (و مابین زن و شوهر).

معهدا در واقع اینگونه نیست. زیرا زمانی که خداوند می گوید که «من حتما چهره ام را پنهان می کنم.»^{۱۶} خداوند این حقیقت را به ما می گوید که حتی زمانی که چهره او پنهان است ما می توانیم من را "ذات و منشاء" را کشف کنیم. طلاق مابین خداوند و بیسرائل یک پدیده ظاهر است. حقیقت، ازدواج و پیوندیست که هرگز گسسته نشده است.

۴- در سرزمین بیگانه

عزیمت خداوند به سرزمین بیگانه نتیجه و حاصل عزیمت خود بیسرائل ها به این سرزمین است. بخاطر آنکه همه حوادث و اتفاقاتی که در عالم روح و روحانیت انجام میشود نتیجه آن اعمالی است که ما در این دنیای فیزیکی انجام میدهیم.

سرزمین بیگانه به زبان تلمود به معنای مکانی بسیار دور از سرزمین بیسرائل است در عبور از این سرزمین بیگانه و حرکت بطرف سرزمین بیسرائل موانع و مشکلات بسیاری وجود دارد از جمله، دریا و یا چیزهایی شبیه به آن.^{۱۷}

ترجمه و تعبیر این مطلب در قلمرو روحانیت آن است که سرزمین بیسرائل زمین برکت الهی و نشان دهنده خواسته و رضایت خداوند است.^{۱۸} و زمانی که انسان از آن خواسته دور است و موانعی مابین او و خواسته خداوند وجود دارد (فکر و احساس او از این دریای فاصله که در این

۱۵-یشعیا ۱-۵۰ ۱۶-دواریم ۱۸-۳۱ ۱۷-به زبان عبری مدینت هیام به معنای "سرزمین بالای دریاها" می باشد ۱۸ رجوع شود به ملاخی ۱۲-۳ برشیت ربا ۸-۵

طلاق نامه از سرزمین خارج (از سرزمین دوردست) برای زن آورده میشود. توضیح آن این است که زمانی که ربی یهودا هناسی کتاب میشنا را تالیف میکرد او این مقدمه بخصوص را برای آغاز فصل مربوط به طلاق انتخاب کرد که به این وسیله ذات و طبیعت واقعی طلاق را برای ما روشن کند. "کسی که طلاق نامه زنی را از سرزمین خارج می آورد... او به این طریق، در واقع این مطلب را به ما میرساند که منشأ طلاق در "سرزمین بیگانه و خارجی" است یعنی در محیط و سرزمینی بیگانه و دور از روحانیت. بدون چنین سرزمینی یعنی حالت بیگانگی مابین مرد و زن، هرگز جدایی مابین آنها بوجود نمی آید. با این کلمات آغازین، ربی یهودا هناسی به ما اشاره می کند که طلاق یک حالت غیر طبیعی است و بعد از اینکه تمامی جزئیات آن را به ما می گوید با کلمات پایانی اش به ما یادآوری می کند که هنوز هم "مرد نمی بایست زنش را طلاق بدهد"...

۳- ایسرائل و خداوند

این مطالب از نظر روحانی دارای اهمیت بیشتری هستند. ازدواج زن و شوهر سمبلی است از رابطه مابین خداوند و بیسرائل^{۱۲} که پیوند مابین آنها در سینای منعقد شده است. کلماتی که برای قبول ازدواج ذکر می کنیم همان کلماتی است که برای انجام قوانین خداوند بکار می بریم. که "مارا بوسیله فرمانهایت مقدس کردی" و اینک "تو برای من بوسیله این انگشتر برحسب قانون مشه و بیسرائل مقدس شده ای".^{۱۳}

در نتیجه زمانی که بیسرائل در گالوت و در بدری بسر می برد یک چنین حالتی از طلاق را تجربه می کند. در تلمود این داستان آمده است که^{۱۴} پیامبر خدا از ملت بیسرائل درخواست می کند که توبه کنند و به سوی خداوند برگشت کنند. بیسرائل ها در جواب اینگونه میگویند که "اگر شوهری زنش را طلاق بدهد آیا آن شوهر می تواند باز هم در مورد آن زن ادعایی بکند؟" به عبارت دیگر آنها می گویند که از آنجا که خداوند بیسرائل ها را در بدر کرده و به گالوت فرستاده است دیگر نمی بایست از آنها انتظار وفاداری داشته باشد و تلمود این جواب را جوابی پیروزمندانه اعلام می کند.

اما چگونه این جواب یک جواب پیروزمندانه است؟ خود تلمود با اشاره به نبوت "یشعیا هناوی" از موضوع بالا نتیجه دیگری می گیرد و خداوند بوسیله یسعیا پیامبر جواب میدهد که "کجاست

۱۲-در واقع تمامی کتاب شیر هشریم بر اساس این مفهوم نوشته شده است ۱۳-تنیا بخش اول فصل ۴۶ ص ۶۵ ب